

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش - 19 بهمن/ 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقيّة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز از نیروی هوایی و نیروی پدافند ارتش جمهوری اسلامی ایران. امروز یک بار دیگر خاطره‌ی مبارک و باشکوه نوزدهم بهمن سال ۵۷ تجدید میشود. اهمیّت روز نوزدهم بهمن بیشتر از این جهت است که در این روز یک پرچمی برافراشته شد، یک پایه‌ای گذاشته شد که این توانست خطّ سیر ارتش جدید را تعیین کند. ارتش جمهوری اسلامی در واقع همان خطّی را حرکت کرد که آن روز آن جوانها آمدند در مدرسه‌ی علوی و آن حماسه‌ی شجاعانه را آفریدند. در واقع نوزدهم بهمن باید روز تولّد ارتش جدید ایران شناخته بشود. شاید بتوان گفت که آن عاملی که توانست افراد متعدّدی، شخصیت‌های برجسته‌ای را از درون ارتش به میدان انقلاب بکشانند، همین حرکت این جوانها در روز نوزدهم بهمن بود. شخصیت‌هایی بودند در داخل ارتش در رده‌های مختلف - از همافری و درجه‌داری تا درجات بالاتر و افسر ارشد - که اینها دلشان با مردم بود، دلشان با انقلاب بود لکن در درون ارتش، اینها توان و فرصت و زمینه‌ی بُروز و ظهور نداشتند؛ آن عاملی که توانست اینها را بکشانند و در این سطح عالی قرار بدهد، همین حرکت شجاعانه بود. افرادی مثل شهید نامجو، شهید صیّاد، شهید بابایی، شهید ستّاری، شهید کلاهدوز، شهید قلاچی و افراد دیگر - شهدای بزرگی که بعضی‌شان از نام‌آوران شهدای جمهوری اسلامی در طول زمان محسوب میشوند - از دل ارتش بیرون آمدند، در مقابل چشمها قرار گرفتند و نقش قهرمان را ایفا کردند. به احتمال زیاد عاملی که توانست اینها را این‌جور وارد میدان بکند، همان حرکت سه روز پیش از پیروزی انقلاب جوانها بود؛ این جوانها، جوانهای نیروی هوایی سه روز قبل از پیروزی انقلاب در بحبوحه‌ی خطر این حرکت را انجام دادند.

چند خصوصیت هست که بنده همیشه در صحبتها روی آنها تکیه میکنم؛ هر چند خصوصیت، در این حرکت وجود داشت. یکی «شجاعانه بودن» این حرکت [بود]؛ شجاعت خیلی مهم است. اینکه یک انسانی این دل و جرئت را داشته باشد که وارد عرصه‌ی سخت بشود، خیلی مهم است؛ این حرکت، حرکت شجاعانه‌ای بود. هیچ کس آن روز نمیدانست که سه روز بعد از این، نظام ساقط خواهد شد، رژیم پهلوی ساقط خواهد شد؛ کسی این را نمیدانست. ممکن بود همه‌ی آنها به اعدام محکوم بشوند؛ [آنها] شجاعت نشان دادند.

یکی «بهنگام بودن» [این] حرکت بود؛ بعضی از حرکتها خیلی خوب است، شجاعانه است اما در وقت خودش انجام نمیگیرد. حرکت توّابین در چند سال بعد از شهادت سیدالشهدا (علیه السلام) در کوفه حرکت خوبی بود اما بهنگام نبود؛ آن روزی که باید اینها می‌آمدند و امام حسین را یاری میکردند، نیامدند؛ بعد پشیمان شدند، آمدند، اقدام کردند، همه هم کشته شدند، میدان هم میدان سختی بود اما خب چه فایده؟ بوقت باید وارد شد، حرکت را بهنگام و در لحظه باید انجام داد. حرکت این جوانها بهنگام بود، در لحظه بود. اینهایی که عرض میکنیم فقط صرفاً برای این نیست که از یک جمعی تمجید کرده باشیم؛ برای این است که ما امروز هم به همینها احتیاج داریم.

یک خصوصیت دیگری که در این حرکت وجود داشت و بسیار باارزش بود، «محاسبه‌شده بودن و عقلانی بودن» [بود]؛ محاسبه شده بود، نشسته بودند، فکر کرده بودند، کار کرده بودند. از نوع حرکت پیدا بود که این یک حرکت آنی تصمیم‌گیری‌شده‌ی در لحظه نبود؛ روی آن فکر شده بود، کار شده بود، مطالعه شده بود. معلوم بود؛ ما که شاهد

قضیه بودیم، میفهمیدیم که قبلاً نشسته‌اند و این کار را محاسبه کرده‌اند. حرکت انقلابی به این احتیاج دارد ؛ بعضی‌ها خیال میکنند حرکت‌های انقلابی بدون محاسبه است، نقطه‌ی مقابل عقلانی بودن است ؛ این پندار غلطی است. حرکت انقلابی بیش از هر حرکت دیگری به محاسبه و به عقلانیت احتیاج دارد. این هم یک خصوصیت.

خصوصیت دیگر این بود که «از غفلت دشمن استفاده کردند» ؛ یعنی اگر دستگاه‌های ضداطلاعات آن روز و فرماندهان سطح بالای ارتش پادشاهی میخواستند حدس بزنند که یک حرکتی از درون ارتش ممکن است به نفع انقلاب انجام بگیرد، دیرترین جایی که به ذهنشان میرسید، نیروی هوایی بود ؛ چون به نیروی هوایی میرسیدند، [به حرکت آنان] فکرشان نمیرسید. فَاتَاهُمْ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا ؛ (۲) از جایی که گمان نمیکردند ضربه را خوردند. این برادران ما، این جوانهای آن روز، از غفلت دشمن استفاده کردند و این حرکت را انجام دادند.

خب این حرکت به اعتقاد راسخ این حقیر به ارتش ایران هویت داد. در دوران آن رژیم، نقشه‌ی کلی این بود که ارتش ایران در ذیل دستگاه نظامی آمریکا تعریف بشود ؛ استقلال وجود نداشت. سازمان، سازمان آمریکایی ؛ سلاح، سلاح آمریکایی ؛ محدودیت دسترسی به سلاح به اجازه‌ی آمریکا ؛ یعنی اف‌چهارده داده بودند اما استفاده‌ی از اف‌چهارده را که کجا باید بشود، آمریکا باید اجازه میداد ؛ مثلاً [اینکه] تعمیر هواپیمای پیشرفته در کجا باید انجام بگیرد، تعویض قطعه در کجا باید انجام بگیرد، این در اختیار نیروی فتی ایرانی نبود، [در اختیار] آمریکایی بود. من بارها در این جلسه گفته‌ام (۳) که قطعه‌ی خراب‌شده را می‌گذاشتند در هواپیما، می‌بردند آمریکا، با قطعه‌ی درست تغییر میدادند برمیگرداندند ایران ؛ اجازه نمیدادند که قطعه در اینجا تعمیر بشود. یعنی حقیقتاً ارتش در ذیل ارتش آمریکا و سازمان نظامی آمریکا باید تعریف میشد. انتصابات مهم، آمریکایی ؛ سلاح، آمریکایی ؛ آموزش، آمریکایی ؛ محل مصرف شدن این ارتش، آمریکایی. حتی از مسئولان کشور هم اجازه نمیگرفتند. یک جایی خواندم که محمدرضا میگوید آمریکایی‌ها آمدند ارتش را بردند استفاده کردند، به من خبر هم ندادند ؛ اجازه که نگرفتند هیچ، خبر هم نداده بودند به شاه که این بخش از ارتش را بردیم استفاده کردیم. [جایگاه] ارتش این‌جوری بود.

یکی از اعتراض‌های امام (رضوان الله علیه) در نطقی که ایشان در سال ۴۳ کرد در اعتراض به کاپیتولاسیون، همین بود ؛ همین که به ارتش اهانت میشود. (۴) یعنی واقعاً کاپیتولاسیون همین‌جور بود. کاپیتولاسیون معنایش این است: وقتی یک دولتی، کشوری با یک کشور دیگری قرارداد کاپیتولاسیون امضا میکنند، معنایش این است که [فرد] نظامی، یا شخصیت آن دولت اگر جرمی در این کشور کرد، نباید اینجا محاکمه بشود ؛ این را آمریکایی‌ها تحمیل کردند بر نظام پادشاهی آن روز! این عناصر ضعیف ما از پادشاه گرفته تا عضو مجلس سنا، تا عضو مجلس شورای ملی آن روز، تا شخصیت‌های برجسته‌ی دولتی امثال علم و هویدا و امثال اینها همه امضا کردند که یک شخص آمریکایی – هر کسی میخواهد باشد – در ایران اگر جرمی انجام داد نباید محاکمه بشود ؛ این معنایش این بود که اگر یک گروه‌بان آمریکایی زد توی گوش یک افسر ارشد ایرانی، مثلاً توی گوش یک سرهنگ، آن سرهنگ که حق ندارد مقابله به مثل کند – آن که هیچ – اما این افسر هم اینجا محاکمه نباید بشود ؛ او را باید ببرند آمریکا آنجا یک دادگاهی رسیدگی کند ببیند ایشان کار بدی کرده یا کار خوبی کرده! ذلت از این بالاتر؟ این را امام اعتراض کرد.

امام در آن نطق، به این سلطه‌ی ذلت‌آور آمریکا بر ارتش ایران و بر حکومت ایران و بر کشور ایران اعتراض کردند. انقلاب آمد به ارتش هویت داد ؛ ارتش هم شایستگی خودش را نشان داد و شد یک ارتش سرافراز و مستقل. اتفاقاً تجربه‌ی دفاع مقدس پیش آمد و ارتش در صفوف مقدّم دفاع مقدس حضور پیدا کرد ؛ شهید داد، مبارزه کرد، فعالیت کرد که بنده در صحبت‌ها مکرّر خاطرات زیادی از این قضیه نقل کرده‌ام. امروز هزاران ستاره‌ی درخشان، از قبیل صیاد و بابایی و ستاری و امثال اینها، در عرصه‌ی تاریخ کشور ما میدرخشند ؛ [اینها] شخصیت‌های برجسته‌اند.

امروز ارتش چه کار باید بکند؟ من این سؤال را مطرح میکنم: امروز مهم‌ترین وظیفه‌ی ارتش چیست؟ پاسخ این است که امروز مهم‌ترین وظیفه‌ی ارتش، تقویت خود است؛ تقویت خود، این مهم‌ترین وظیفه‌ی ارتش است. ارتش، هم از لحاظ نیروی انسانی، هم از لحاظ تسلیحات، هم از لحاظ آموزش، هم از لحاظ آمادگی رزمی، آمادگی دفاعی، باید تقویت کند خودش را. آن روزی که درگیری وجود ندارد، مهم‌ترین وظیفه‌ی سازمانهای نظامی این است: نگاه کنند و نقاط ضعف را، رخنه‌ها را، آسیب‌پذیری‌هایی که احیاناً در مجموعه‌ی سازمان وجود دارد، پیدا کنند، روی اینها کار کنند، [خود را] تقویت کنند؛ ارتش روزبه‌روز باید خودش را تقویت کند. این نهضت نوآوری، ساخت نوآورانه که چند سال است شروع شده – چه در وزارت دفاع، چه در ارتش، چه در سپاه – باید ادامه پیدا کند. خوشبختانه سازمانهای نظامی ما و همچنین صنعت نظامی ما لیاقت خودشان را ثابت کردند، نشان دادند که میتوانند کارهای بزرگی انجام بدهند. از آن کارهای بزرگی که تا حالا انجام دادید، بزرگ‌ترش را هم میتوانید انجام بدهید؛ باید دفاع از کشور، سرلوحه‌ی خواسته‌های شما باشد، و این ممکن نمیشود مگر با تقویت سازمانهای ارتشی. با همان روحیه، با همان سلحشوری، با همان شجاعت، با همان ابتکار و محاسبه‌ی درست که [حرکت] نوزدهم بهمن به ما یاد داده، در میدان تقویت ارتش جمهوری اسلامی بایستی ان‌شاءالله پیش بروید و کارها را دنبال کنید.

و اما بحث مذاکره؛ چند وقت است می‌شنوید در روزنامه، در فضای مجازی، در سخنان این و آن، بحث میشود از مذاکره‌ی دولت. خب، آنچه مورد بحث این بحث‌کنندگان است – چه در داخل، چه در خارج – مذاکره‌ی با آمریکا است. اسم مذاکره را می‌آورند که «آقا! مذاکره چیز خوبی است»، انگار کسی مخالف با خوب بودن مذاکره است! امروز وزارت خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران یکی از پُرکارترین وزارت‌خارجه‌ها است. کارش همین است دیگر؛ با کشورهای دنیا – شرقی، غربی، همه‌جور – مذاکره میکنند، رفت‌وآمد میکنند، حرف میزنند، قرارداد میبندند؛ استثنائی که وجود دارد آمریکا است. البته رژیم صهیونیستی را اسم نمی‌آورم، چون دولت نیست؛ رژیم صهیونیستی یک باند جنایت‌کاری هستند که آمدند یک سرزمینی را غصب کردند، دارند جنایت میکنند؛ او محلّ کلام نیست. استثنا آمریکا است.

چرا استثنا است؟ علت چیست؟ اولاً مذاکره‌ی با آمریکا هیچ تأثیری در رفع مشکلات کشور ندارد؛ این را باید ما درست بفهمیم. این جور به ما وانمود نکنند که اگر نشستیم پشت میز مذاکره با آن دولت، فلان مشکل یا فلان مشکل حل میشود؛ نخیر، از مذاکره‌ی با آمریکا هیچ مشکلی حل نمیشود. دلیل: تجربه. ما در دهه‌ی ۹۰ نشستیم حدود دو سال با آمریکا مذاکره کردیم – البته آمریکا تنها نبود؛ چند کشور دیگر هم بودند، لکن محور آمریکا بود، عمدتاً آمریکا بود – دولت آن روز ما نشست مذاکره کرد، رفتند، آمدند، نشستند، برخاستند، مذاکره کردند، گفتگو کردند، خندیدند، دست دادند، رفاقت کردند، همه‌کار کردند، یک معاهده‌ای هم تشکیل شد؛ (۵) در این معاهده، طرف ایرانی خیلی هم سخاوت به خرج داد، خیلی امتیاز داد به طرف مقابل، اما همان معاهده را آمریکایی‌ها عمل نکردند؛ همین شخصی که حالا الان سر کار است، (۶) این معاهده را پاره کرد؛ گفت پاره میکنم و کرد؛ عمل نکردند. قبل از این هم که او بیاید، همانهایی که این معاهده با آنها انجام گرفته بود به معاهده عمل نکردند؛ معاهده برای این بود که تحریمهای آمریکا برداشته بشود، [اما] تحریمهای آمریکا برداشته نشد. در مورد سازمان ملل هم یک استخوانی لای زخم گذاشتند که مثل تهدیدی همیشه بالای سر ایران وجود داشته باشد. (۷) این معاهده، محصول مذاکره‌ای است که به نظرم دو سال – یا بیشتر یا کمتر – طول کشید. خب این تجربه است دیگر؛ از این تجربه استفاده کنیم. مذاکره کردیم، امتیاز دادیم، کوتاه آمدیم، اما نتیجه‌ای را که مقصودمان بود به دست نیاوردیم؛ همین معاهده را هم با همه‌ی این نقصهایی که داشت، طرف مقابل باز خراب کرد، نقض کرد، پاره کرد. با یک چنین دولتی مذاکره نباید کرد؛ مذاکره کردن عاقلانه نیست، هوشمندانه نیست، شرافتمندانه نیست.

ما البته مشکلاتی در داخل داریم؛ کسی منکر وجود مشکلات نیست. در معیشت مردم، مشکلات فراوانی هست و

تقریباً اغلب قشرهای مردم ابتلائی دارند، مشکلاتی دارند؛ لکن آن چیزی که این مشکلات را برطرف میکند، عامل داخلی است. عامل داخلی عبارت است از همّت مسئولان متعهد و همراهی ملت متحد؛ یعنی همین چیزی که در راهپیمایی ان شاء الله ملاحظه خواهید کرد: اتحاد مردم. راهپیمایی بیست و دوم بهمن، هر سال، مظهر اتحاد ملی در کشور ما است. ملت بصیر و مسئولان خستگی ناپذیر؛ این [عامل] است که مشکلات ما را برطرف میکند. مسئولان مشغولند، بحمد الله کارهایی دارند میکنند و بنده بسیار امیدوار هستم که همین دولت محترم بتواند مشکلات معیشتی مردم را لااقل کم کند و سختی‌ها را برطرف کند.

آمریکایی‌ها نشسته‌اند دارند نقشه‌ی جهان را روی کاغذ تغییر میدهند! البته فقط روی کاغذ است، در واقعیت هیچ‌گونه واقعیتی ندارد. درباره‌ی ما هم نظر میدهند، حرف میزنند، اظهار نظر میکنند، تهدید میکنند؛ ما اگر تهدیدمان بکنند، تهدیدشان میکنیم؛ اگر این تهدید را عملی کنند، ما هم تهدید را عملی میکنیم؛ اگر به امنیت ملت ما تعرض کنند، ما هم به امنیت آنها تعرض خواهیم کرد؛ بدون تردید. این، رفتار فراگرفته‌ی از قرآن و دستور اسلام است و وظیفه‌ای است که بر عهده‌ی ما است. امیدواریم خدای متعال ما را در انجام وظایفمان موفق بدارد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار - که در سالروز بیعت تاریخی پرسنل نیروی هوایی ارتش با حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) در نوزدهم بهمن ۱۳۵۷ برگزار شد - سرتیپ حمید واحدی (فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران) گزارشی ارائه کرد.

۲) سوره‌ی حشر، بخشی از آیه‌ی ۲؛ «... و[لی] خدا از آنجایی که تصوّر نمیکردند بر آنان درآمد ...»

۳) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، (۱۳۸۲/۱۱/۱۹)

۴) صحیفه‌ی امام، ج ۱، ص ۴۱۵؛ سخنرانی در جمع مردم (۱۳۴۳/۸/۴)

۵) قرارداد موسوم به «برجام»

۶) دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور آمریکا)

۷) اشاره به «سازوکار حلّ اختلاف» یا «مکانیسم ماشه» که بر اساس آن، در صورت شکایت یکی از طرفهای برجام به سازمان ملل مبنی بر عدم اجرای تعهدات، همه‌ی قطعنامه‌های شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران به صورت خودکار فعال خواهد شد و برای کشورهای عضو سازمان لازم‌الاجرا میشود.